

## Components of civilization-building foreign policy model

Mohammadreza Dehshiri \*

Zahra Bahrami \*\*

Received: 2021/05/02

Accepted: 2021/09/18

### Abstract

According to the innate, divine and human nature of the Islamic Revolution and new design of cross-border interactive model based on Islamic-Iranian values of Imam Khomeini, in contrast to the dominant system, achieving a new Islamic civilization, centered on rationality, self-confidence, culturalism and Spirituality, represents the goal of the Islamic Republic of Iran has always been emphasized on Supreme Leader.it taking into the conditions of the world system.

Foreign policy is one of the most important areas, that it has a great impact on the achievement of national goals and interests, the production and reproduction of Iranian global image.

In this regard, the main question seeks to understand which components of the civilizational foreign policy model requires further attention? In response, the deductive and explanatory methodology and collecting information get use to virtual data and libraries, the mains hypothesis are the components of Civilizational foreign policy model such as: discourse-oriented, stream-making, rapprochement-oriented and rational-oriented.


**Keywords:** foreign policy, modern Islamic civilization, cultural diplomacy, diplomacy of unity

.....  
\*(Selected Article of the Sixth International Congress of Islamic Humanities - New Islamic Civilization Commission)\*

\* Professor of International Relations , School of International Relations of Ministry of


Foreign Affairs, Tehran, Islamic Republic of Iran

mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com

 0000-0001-8223-3358

\*\* Ph.D in International Relations, Tehran, Islamic Republic of Iran.

zahrabahrami121@gmail.com

 0000-0002-9637-495x

## مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن ساز

محمد رضا دهشیری \*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

زهرا بهرامی \*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

### چکیده


با توجه به ماهیت فطری، الهی و انسانی انقلاب اسلامی و طرح نوینی از الگوی تعاملی فرامرزی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی در تقابل با سیستم غالب از سوی امام خمینی (ره)، رسیدن به تمدن نوین اسلامی با محوریت خردباوری، خودباوری، فرهنگ‌گرایی و معنویت‌مداری، هدف ج.ا.ایران تبیین شده و همواره با الهام از شرایط نظام جهانی، مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های رفتاری برای رسیدن به این مهم، سیاست خارجی است که به دلیل اثرگذاری بر دستیابی بر اهداف و منافع ملی، تولید و بازتولید تصویر جهانی ایران اسلامی و نوع رفتار بازیگران نظام جهانی با آن، از اهمیت وافری برخوردار است. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد بررسی این سؤال است که الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز مستلزم توجه به چه مؤلفه‌هایی است، در پاسخ، با استفاده از راهبرد قیاسی، روش توضیحی - تبیینی و گردآوری اطلاعات و داده‌های مجازی و کتابخانه‌ای این فرضیه مورد مذاقه قرار می‌گیرد که الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز مستلزم توجه به مؤلفه‌هایی چون؛ گفتمان‌محوری، جریان‌سازی، تقریب‌گرایی و عقلانیت محوری است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، تمدن نوین اسلامی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی وحدت.

\* (مقاله منتخب ششمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی - کمیسیون تمدن نوین اسلامی)

\* استاد روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com

 0000-0001-8223-3358

\*\* دکتری روابط بین‌الملل، تهران، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول).

zahrabrahmi121@gmail.com

 0000-0002-9637-495x

## مقدمه

تمدن و تمدن نوین اسلامی، مؤلفه‌های مهمی در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی هستند که در چارچوب گفتمان ایرانی - اسلامی و مبتنی بر مبانی توحیدی، فطری و انسانی مطابق با تغییر در ساختار و هنجارهای بین‌المللی در سطح سیستمی ارائه شدند. ایده‌ی تمدن اسلامی در سیستم دوقطبی از سوی امام خمینی (ره)، با محوریت قدرت نرم‌افزاری، ماهیت الهی و قالب بشری مورد تأکید قرار گرفت. در همین راستا مقام معظم رهبری در دوران نهادینه نشده سیستم جهانی، بر تمدن نوین اسلامی با محورهای خودباوری، خردباوری، اخلاق‌مداری، فرهنگ‌گرایی تأکید کرده و آن را آرمان ج.ا.ایران معرفی نمودند که پس از طی مراحل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و درنهایت جامعه‌ی اسلامی ایجاد خواهد شد و مبتنی بر توجه به قدرت‌های نرم و سخت است. تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی اسلامی - ایرانی، به دلیل در برداشتن ارزش‌ها و هنجارهای جهانی و تطابق با روح و فطرت الهی انسان‌ها، ویژگی جهانی دارد و محدود به قشر خاصی از انسان‌ها در دوره‌ی مشخصی از تاریخ نمی‌شود، بلکه مسیری است تا انسان را به سعادت برساند. طرح تمدن نوین اسلامی نیز بیانگر تطابق تمدن با شرایط نوینی است که کنشگران مختلف انسانی در سیستم جهانی با آن مواجه خواهند بود و پایداری در آن نیازمند اعمال تغییرات متناسب با مقتضیات زمانی، تربیت نسلی از انسان‌های آگاه، متدین و خودباور، هم‌افزایی و وحدت ملت‌های مسلمان و... می‌باشد.

در همین راستا، ج.ا.ایران برای رسیدن به اهداف خود در عرصه‌ی فرامرزی و تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی، یکی از مسیرهایی که می‌تواند از آن بهره‌بردار، سیاست خارجی است، زیرا دستگاه سیاست خارجی، از ظرفیت ایجاد، تعمیق و گسترش تعاملات در ابعاد مختلف با مخاطبان گوناگون برخوردار است. سیاست خارجی، در قالب اقداماتی که دولت در ورای مرزهای خود و در تعامل با بازیگران دولتی و غیردولتی برای پیشبرد اهداف و منافع ملی پی می‌گیرد، نشان‌دهنده‌ی هویت، اهداف و توانایی کشورهاست و از اهمیت بالایی برخوردار است. این در حالی است که باید اشاره داشت، سیاست خارجی، برآمده از

نقش کشورها و نقش کشورها نیز برآمده از هویت آن‌هاست. ایران به دلیل ماهیت و هستی‌شناسی اسلامی - ایرانی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، سیاست خارجی را اعمال می‌نماید که برآمده از دین اسلام، مکتب شیعی و آرمان‌های انقلابی است که یکی از اهداف آن تمدن‌سازی و ارائه‌ی تمدن ایرانی - اسلامی بر عرصه‌ی جهانی به صورت نرم است. دلیل اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که به فرموده‌ی مقام معظم رهبری، ارائه‌ی تمدن نوین اسلامی یکی از کارکردهای ج.ا.ایران برای بشریت است، از منظر ایشان، مخاطب تمدن نوین اسلامی، ملت‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران نظام بین‌الملل هستند، «... ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». باید ما دنبال تمدن نوین اسلامی برای بشریت باشیم؛ این با آنچه قدرت‌ها درباره‌ی بشریت فکر و عمل می‌کنند، تفاوت اساسی دارد. این امر به معنای تصرف سرزمین‌ها، تجاوز به حقوق ملت‌ها و تحمیل مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی بر دیگر ملت‌ها نیست؛ بلکه به معنای ارائه نمودن هدیه‌ی الهی به ملت‌ها می‌باشد، تا ملت‌ها با اختیار، انتخاب و تشخیص خود، مسیر درست را برگزینند... این وظیفه‌ی امروز ما است...». (مقام معظم رهبری، ۸ دی ۱۳۹۴)

بنابراین با توجه به نقش دستگاه دیپلماسی در رسیدن به هدف والای تمدن نوین اسلامی، در این پژوهش با بهره‌مندی از راهبرد قیاسی، روش توضیحی - تبیینی و گردآوری اطلاعات و داده‌ها به صورت مجازی و کتابخانه‌ای، این سؤال مورد مذاقه قرار می‌گیرد که الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز، مستلزم توجه به چه مؤلفه‌هایی است؟ در راستای پاسخ‌گویی به سؤال مذکور، تولید ادبیات و نوآوری در تبیین الگوی تعامل دیپلماسی و تمدن نوین اسلامی، ابتدا به تبیین چارچوب مفهومی «تمدن و تمدن نوین اسلامی» در اندیشه‌ی امامین انقلاب اسلامی و الگوی سیاست خارجی مورد بحث می‌پردازیم و ضمن اشاره به اهمیت عناصر غیرنظامی همچون فرهنگ و مؤلفه‌های ارزشی در ایجاد تعامل میان بازیگران نظام جهانی و رسیدن به سطحی از تعامل در بخش‌های حساسیت‌زا، به تبیین تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی امامین انقلاب اسلامی پرداخته و در گام نهایی، مؤلفه‌های اصلی الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز را

مورد اشاره قرار خواهیم داد و تبیین می‌نماییم دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی وحدت چگونه در چارچوب گفت‌وگو سازی انقلابی و همچنین بهره‌مندی از عقلانیت جامع (هنجاری، غایی و ابزاری) می‌توانند در ارائه‌ی یک سیاست خارجی تمدن‌ساز اثرگذار باشند.

#### ۱. پیشینه‌ی پژوهش

در مقاله‌ی «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری»، نویسنده ضمن تأکید بر ضرورت بازیابی تمدن اسلامی، به روند گسترش تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایش‌های مقام معظم رهبری پرداخته و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی را در اندیشه‌ی ایشان در راستای ایجاد پویایی و تداوم تقابل با تمدن غربی، در قالب‌های مختلف معنوی و مادی در دو عرصه‌ی داخلی و خارجی مورد تحلیل قرار می‌دهد. (اکبری، رضایی) در مقاله‌ی «نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری»، نویسنده تلاش دارد از رهگذر فلسفی و تاریخی در دو سطح کلان: سطح مبنایی و بنیادی مشتمل بر اصول نظری و مفهومی و سطح معطوف به خوانش تاریخی از تمدن اسلامی، این فرض را مورد مذاقه قرار دهد که رویدادهای تاریخی ذاتاً از پیوستگی و تکامل برخوردارند و تمدن نوین اسلامی از ظرفیت‌های دین اسلام و مولد منازعه‌ی تاریخی اسلام با غرب است (نجفی، ۱۳۹۹) و در مقاله‌ی «انقلاب اسلامی و تمدن نوین بر پایه‌ی اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی (خوانشی تعمیقی و تحلیل محور به اصل ۱۱ قانون اساسی)»، به اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی به‌عنوان یک مسئله‌ی بنیادی در تمدن سازی اشاره شده و نقش انقلاب اسلامی در تمدن سازی با محور مؤلفه‌ی ائتلاف‌سازی و خوانش تحلیلی اصل یازدهم قانون اساسی مورد مذاقه قرار گرفته است و به دستاوردهای انقلاب اسلامی در تمدن سازی و همچنین نتایج و آسیب‌هایی که در این مسیر بر ائتلاف‌سازی وارد شده، پرداخته است. (قاسمی، ۱۳۹۹)

با توجه به ادبیات موجود، مقاله‌ی پیشرو درصدد است، ضمن تبیین شاخص‌های تمدن و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی امامین انقلاب اسلامی، در قالب توجه به محیط نظام

جهانی در دوران گذار برای افزایش موقعیت در تقسیم قدرت جهانی در بعد هنجارهای رفتارساز، به مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز پردازد. در این خصوص به مبانی همچون «گفتمان محوری» برای درک اهمیت و ضرورت نظام‌های معنایی در ایجاد، توجیه و پیش‌بینی رفتارهای جهانی، «جریان‌سازی» در راستای تبیین بازیگران جمعی برای رسیدن به اهداف مبتنی بر مبانی فطری با اتکاء بر شبکه‌سازی و نمادسازی، «تقریب‌گرایی و وحدت اسلامی» به‌عنوان یکی از اصول راهبردی تمدن نوین اسلامی برای هم‌افزایی دینی - سیاسی و «عقلانیت محوری» در جهت تحلیل چندبعدی بودن چارچوب‌های فکری و رفتاری در اسلام، اشاره شده است که می‌تواند ضمن ایجاد یک چارچوب فکری هرچند ناقص در خصوص مؤلفه‌های سیاست خارجی تمدن‌ساز، بخش کوچکی از خلأ ادبیات موجود در این خصوص را تکمیل نموده و ظرفیتی باشد برای مطالعاتی که می‌خواهند تمدن نوین اسلامی را در چارچوب رفتارهای رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در قالب سیاست خارجی و ابزار دیپلماسی مورد مذاقه قرار دهند.

## ۲. چارچوب مفهومی: تمدن و تمدن نوین اسلامی و الگوی سیاست خارجی

رویکرد امام خمینی (ره) به نظام بین‌الملل، فراتر از دو قطب شرق و غرب مادی‌گرا، برگرفته از نگرش توحیدی و جهان‌بینی قرآنی بود و در این چارچوب، «تمدن‌ها» یکی از مهم‌ترین بازیگران نوینی بودند که از منظر امام (ره) در عرصه کنش مؤثرند. از نظر ایشان، تفاوت‌های بارزی میان تمدن اسلامی و تمدن غربی، به‌ویژه با توجه به محوریت هستی‌شناسی کنشگران مبنایی، اهداف اساسی، توانایی رفع نیازهای بشری در ابعاد تعریف‌شده بر مبنای هستی‌شناسی و... وجود دارد، که هر یک بر اساس مبانی خاصی شکل گرفته و با توجه به اهداف، تربیت انسان‌ها و تعیین عناصر رفتارساز، جامعه‌ی مشخصی را ترسیم می‌کنند. تمدن اسلامی از نظرگاه امام (ره)، نشانگر جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌باشد که جنبه‌های فردی و اجتماعی هستی را در برمی‌گیرد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ص ۱۱۳) همه مؤلفه‌های تمدن اسلامی از جمله؛ اخلاق، علم، اصول دینی، عدالت و... بر محور اسلام و در قالب آموزه‌های مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر

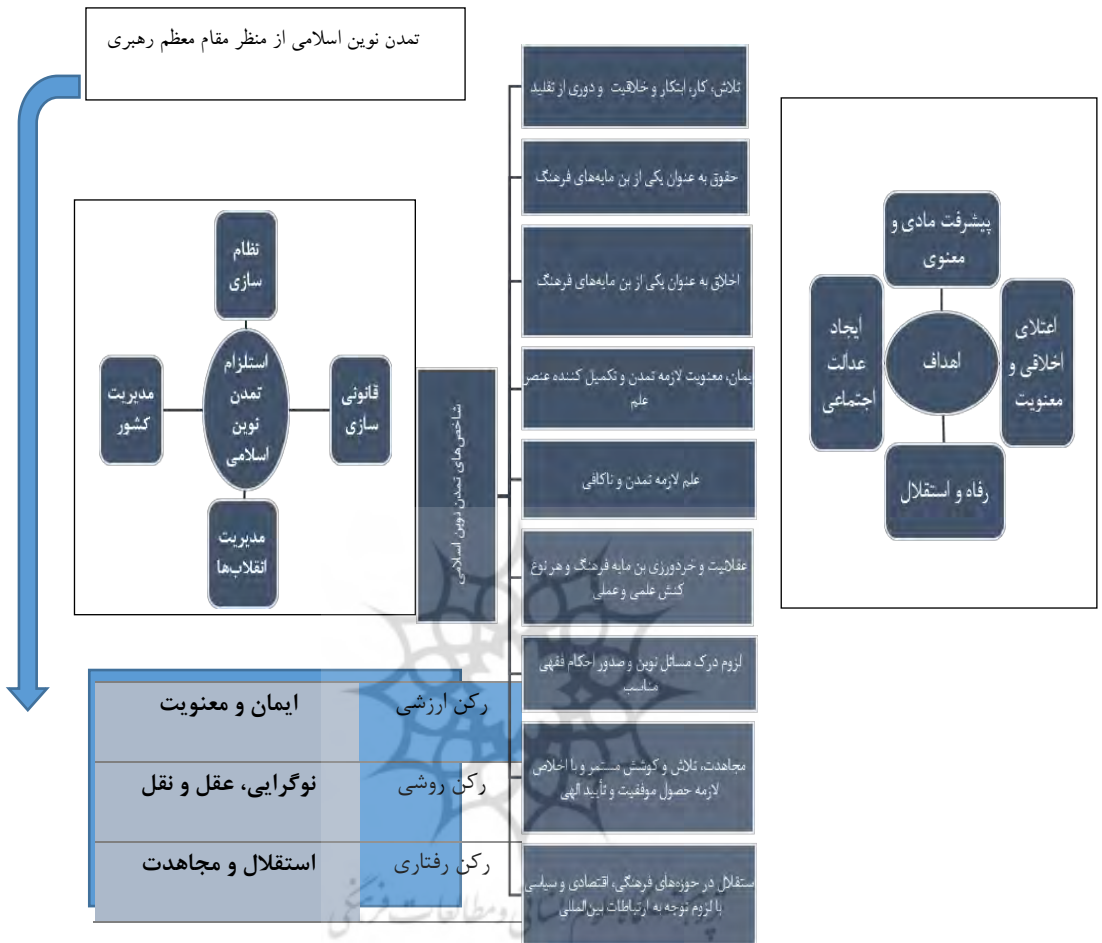
اکرم (ص) می‌باشد. (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴) ملزومات تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (ره) در دو حوزه مطرح می‌شود، عرصه‌ی داخلی که با قدرت ملی می‌تواند پی گرفته شود و عرصه‌ی خارجی که ارتباط مستقیمی با دستگاه دیپلماسی کشور دارد، این ملزومات عبارت هستند از: عمل و پایبندی به اسلام و قرآن، آمیختگی دین و سیاست، تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه، ایجاد و حفظ استقلال مسلمانان و نفی سلطه‌ی مستکبران، نقد تمدن غرب، رهایی از چارچوب‌های فکری و مؤلفه‌های فرهنگی غرب و بازگشت به مبانی و ارزش‌های اسلامی، استعمارزدایی از سرزمین‌های اسلامی، وحدت و انسجام مسلمین و تکوین امت واحده. البته ذکر موارد فوق، با مرزبندی دقیق از یکدیگر جدا نیستند، همان‌طور که سیاست داخلی و خارجی تکمیل‌کننده‌ی یکدیگر هستند، این ملزومات نیز مکمل یکدیگر می‌باشند و برای رسیدن به تمدن اسلامی، سیاست خارجی باید بر اساس هویت، حکومت و هنجارهای اسلامی و معیارهای تشکیل امت واحده اعمال شود که نیازمند تبیین استراتژی مشخصی است.

از منظر مقام معظم رهبری نیز، تمدن اسلامی برآمده از آیات و روایات الهی و دینی و با هدف سعادت بشر، مبتنی بر فطرت انسانی و مطابق با نیازهای مادی و روحی انسان است که رسیدن به آن، هدف و آرمان ج.ا.ایران می‌باشد: «تمدن اسلامی فضایی است که انسان از نظر مادی و معنوی توانایی رشد و دستیابی به غایات مطلوب خداوند متعال، زندگی خوب و عزتمند را داشته و در آن انسان دارای اراده، قدرت، خلاقیت و سازندگی با جهان طبیعت باشد، این تمدن اسلامی، هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی می‌باشد». (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۴ شهریور ۱۳۹۲) شایان ذکر است، تمدن‌سازی نوین نیز به معنای، بازسازی و احیای کرامت و عزت مسلمانان هم سو با بهره‌مندی از دستاوردهای علم و تکنولوژی محور در راستای ایجاد تمدنی نمونه است. درواقع، تمدن نوین اسلامی، تجلی معنوی و مادی پیشرفت‌ها و تعالی نظام‌مند، نوین و هدفمند امت اسلامی با محور قراردادن ایران بر اساس آموزه‌های اسلامی در همه‌ی ابعاد اجتماعی می‌باشد. (نجفی، ۱۳۹۹،

در خصوص تمدن نوین اسلامی و مقدمات رسیدن به هدف، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «هدف و آنچه ما به دنبال آن هستیم، تأسیس حاکمیتی اسلامی است که این توانایی را داشته باشد تا جامعه را به جامعه‌ی آرمانی اسلام مبدل نماید. ... جامعه‌ای که در آن، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی و همچنین ثروت وجود دارد؛ ... ما به این تمدن نوین اسلامی می‌گوییم». (مقام معظم رهبری، ۲۰ آبان ۱۳۹۴) از منظر مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی ترکیبی از دنیا و آخرت در قالب هستی‌شناسی توحیدی است که سرآغاز پیشرفت بشریت می‌باشد و بازیگران سیستم را وادار به اتخاذ کنش مشخصی با بهره‌گیری از قدرت سخت و نظامی نمی‌کند، بلکه با محوریت قدرت نرم‌افزاری، اندیشه‌ی الهی را برای ایجاد حاکمیت اسلام در این عرصه ارائه می‌دهد. ایشان در تبیین روند دست‌یابی به تمدن اسلامی، مراحل تشکیل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و درنهایت ایجاد تمدن بین‌الملل اسلامی را مطرح می‌کنند. (مقام معظم رهبری، ۶ آبان ۱۳۸۳)

در همین چارچوب نیز، برای تبیین وظایف مسئولان در رسیدن به تمدن اسلامی اشاره داشتند: «برای تحقق هدف بزرگ مبدل نمودن ایران به کشوری قدرتمند، پیشرفته و شریف به معنای تقابل با پلید که مصداق برخی قدرت‌ها و کشورهاست و همچنین بهره‌مندی از حرفی نو در موضوعات بشری و بین‌المللی و درواقع برافراشتن پرچم تمدن نوین اسلامی، تمامی مسئولان باید توجهی جدی، کاربردی و پیگیر به نخبگان داشته باشند». (مقام معظم رهبری، ۲۸ مهر ۱۳۹۵) ملزومات تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری نیز عبارت است از: توجه به علم، معنویت - توحید و خدامحوری، ایجاد و حمایت از فضای انتقادی، تلاش و پایداری در راه خدا و عدم تباین تدین و تمدن. بنابراین، تمدن نوین اسلامی، امری برای ایجاد دنیایی سرشار از معنویت است، «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را که سرشار از معنویت باشد و با اتکاء بر آن و هدایت معنوی پیش برود را تحقق بخشیم ...». (مقام معظم رهبری، ۱۹ آذر ۱۳۹۲)





شکل شماره ۱: شاخص‌های تمدن نوین اسلامی

ضمن تبیین تمدن و تمدن نوین اسلامی، در خصوص الگوی سیاست خارجی موردنظر در این مبحث باید اشاره داشت، الگو را می‌توان شامل قواعدی دانست که می‌تواند تشکیل‌دهنده‌ی یک پدیده یا رفتار باشد. سیاست خارجی نیز شامل چارچوبی از استراتژی و یا رفتارهایی از پیش ساماندهی شده از سوی تصمیم‌گیرندگان حکومتی با هدف دستیابی به مقاصد مشخص، در قالب منافع ملی در فضای فراملی می‌باشد. (مقتدر، ۱۳۵۸، ص ۱۳۲-۱۳۱) و هم‌کنشی است مشتمل بر: فعل و انفعالاتی بین کنشگران دولتی در

محیط خارجی. (Rolenc, 2013, 4) هدف این بخش، ارائه‌ی مؤلفه‌هایی است که می‌تواند به ایجاد یک سیاست خارجی تمدن‌ساز در روابط بین‌الملل منجر شود که این امر نیازمند پذیرش در سطح ملی و تکرار در سطح بین‌المللی برای ارائه‌ی تعریف جهانی در جهت ایجاد تعامل و پیش‌بینی رفتار از سوی بازیگران جهانی است. ج.ا.ایران برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های قدرت نرم جهت برآورد اهداف و منافع ملی، نیازمند طراحی الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز در سطح منطقه‌ای و جهانی متناسب با توان ملی، موقعیت، الزامات و محذورات هر یک از سطوح مذکور می‌باشد. لازم به ذکر است، طرح تمدن نوین اسلامی برای ایجاد تغییراتی در نظام جهانی ریشه در هستی‌شناسی اسلامی دارد، زیرا بر پایه‌ی این هستی‌شناسی که خود اساسی است برای معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و طرح تئوری‌هایی که می‌تواند «رفتار» را ایجاد، مدیریت و پیش‌بینی نماید، انسان و نظام اجتماعی برساخته از ماهیت آن، می‌تواند دچار تحول شده و مسیر سعادت را طی نماید، زیرا:

**الف:** ساختار وجودی، سرشت فطری و حرکت جوهری انسان‌ها امکان تکامل، اصلاح نفس و کنش فردی و اجتماعی را به آن‌ها می‌دهد، به نحوی که آن‌ها می‌توانند در اثر حرکت جوهری از مرتبه‌ی حیات حیوانی مبنی بر انگیزه‌های غریزی، گذر کرده و به مرتبه‌ی انسانی مبنی بر سائق فطری انتقال یابند و جهان انسانی را بر پا سازند. تشکیل جهان‌های اجتماعی فطری - انسانی نیز به شکل‌گیری روابط انسانی - متعالی می‌انجامد. همان‌گونه که عمل و رفتار بر اساس غریزه و انحراف از فطرت و عقل به شکل‌گیری جهان و روابط بین‌الملل غیرانسانی منجر خواهد شد. لذا، جهان و روابط بین‌الملل نیز مانند انسان و جامعه‌ی انسانی در میانه‌ی غریزه و فطرت در نوسان است. باین‌حال، در غایت جهان، روابط بین‌الملل روندی کامل و ماهیتی انسانی و فطری خواهد داشت.

**ب:** اختیار و اراده‌ی انسانی و متعاقباً جوامع انسانی هم نشانگر امکان اصلاح‌پذیری انسان‌ها و جوامع انسانی در دو سطح ملی و فراملی است. در واقع، انسان با اکتساب و بهره‌مندی از آگاهی، درک و شناخت‌های نوین و کنش‌های ارادی بر پایه‌ی آن‌ها، می‌تواند ساختارهای

اجتماعی نوینی را بازسازی نموده و جهان را متحول سازد، زیرا انسان‌ها و به طبع آن جوامع انسانی، نه کنشگران منفعل، بلکه بازیگرانی مختار و فعال‌اند. از این رو، تحول و تکامل جامعه و نظام بین‌الملل ناشی از حرکت جوهری بر پایه‌ی سنن الهی، اراده و اختیار کنشگران بین‌المللی شکل می‌گیرد.

**ج:** ماهیت اجتماعی، قراردادی و اعتباری نظم و نظام بین‌الملل برخلاف جهان طبیعی، نیز دال بر تغییر و اصلاح‌پذیری روابط بین‌الملل می‌باشد. نظم و نظام بین‌المللی، بر پایه‌ی آگاهی، اراده و اختیار افراد انسانی تعریف و تعیین می‌شود، لذا حیات و هستی آگاهانه دارد و با شکل‌گیری آگاهانه و اراده‌ی مشترک جمعی در سطح بین‌المللی برای تغییر و تحول، امکان و زمینه‌ی اصلاح روابط و نظام بین‌الملل نیز فراهم می‌شود.

**د:** اصالت ذاتی ارزش‌های انسانی نیز از آنجاکه ذهنی و یا قراردادی نیستند، بلکه واقعی، حقیقی، قابل‌کشف هستند و ریشه در فطرت بشر دارد، متضمن و امکان‌بخش تحول در روابط بین‌المللی می‌باشند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۹)

### ۳. مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز

تمدن نوین اسلامی به دلیل ابتناء بر اخلاق، علم، عدالت و معنویت یک چارچوب قابل‌قبول و مطمئن برای انسان مختار و فعالی است که با اتکاء بر آن می‌تواند در مسیر فطرت الهی، ضمن انسان‌سازی، به جامعه‌سازی و سیستم‌سازی در نظام جهانی مبادرت نماید و ساختارهای اجتماعی نوینی را برای ایجاد صلح، ثبات و عدالت در روابط جهانی اعتباری که برساخته‌ی انسان و کنش‌های جمعی آن است، ایجاد نماید. لذا طرح الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز، می‌تواند یک گام اساسی برای این مسیر باشد، مسیری که به طراحی ساختارها و سیستم‌های رفتار‌ساز و محدودکننده منجر می‌شود. در ادامه به چند مؤلفه‌ی اساسی که در ایجاد و اجرای الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز ماهیت وجودی دارد، اشاره می‌شود:

**الف) گفتمان محوری:** ضرورت اجرای یک سیاست خارجی موفق تمدن‌ساز، الهام‌گیری از گفتمان اسلامی - ایرانی، مبتنی بر ارزش‌های جهان‌شمول و مطابق با روحیه‌ی آزادی‌خواه

انسانی در سطحی کلان است که سیاست خارجی تمدن‌ساز در درون آن اعمال شود. گفتمان مبانی ارزشی، هنجاری و هویت‌ساز تعیین‌کننده‌ی ذهنیت کنشگران و در نتیجه دیکته‌کننده‌ی رفتارهای آن‌هاست. بازیگر توانمند و مؤثر در سیستم، نیازمند توجه به ارائه‌ی یک گفتمان قوی برای تبیین واقعیت‌های بین‌المللی و پیش‌بینی رفتار بازیگران بر اساس آن است. در این راستا «گفتمان انقلاب اسلامی» با تأکید بر مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی، عدالت، آزادی، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی باید به‌عنوان چارچوب سیاست خارجی مورد توجه بازیگران فعال در این عرصه باشد و با بهره‌مندی از ابزارهای نوین دیپلماتیک در سطح جهانی و البته مردمی برای تعیین چارچوب‌های رفتاری مشخص ارائه شود. سیاست خارجی تمدن‌ساز باید بر اساس گسترش فرهنگ و هویت اسلامی، نفی سلطه، استقلال سیاسی، خودباوری و نفی خودباختگی در مقابل بیگانگان استوار باشد. قدرت ارائه‌ی مطلوب و گسترده‌ی گفتمانی که در عرصه‌ی داخلی به‌صورت نظام‌مند، جامع و معقول مبتنی بر قدرت نرم و سخت تعریف شود، به ایجاد «روایت‌سازی» از وقایع و در نتیجه درک، تبیین، تحلیل و اعمال رفتار کمک می‌کند. نظام جهانی اکنون در وضعیتی است که به آن «جنگ روایت‌ها» گفته می‌شود، واقعیت‌ها مهم نیست که چگونه اتفاق می‌افتند، مهم آن است که روایت‌ها، واقعیت‌ها را چگونه نشان می‌دهند و ارائه‌کننده‌ی روایت‌ها با چه ابزاری می‌تواند دیگران را برای پذیرش آن اقناع کنند. در همین قالب، دیپلماسی فعال در قالب رسمی و غیررسمی با ایجاد تعاملات دولت‌محور و ملت‌محور و استفاده از ظرفیت سفارت‌خانه‌ها، کنسولگری‌ها و نهادهای منطقه‌ای و جهانی می‌تواند مؤلفه‌های مذکور را برای ایجاد روایت‌ها، تعریف واقعیت‌ها و جریان‌سازی هدفمند ارائه دهد.

**ب) جریان‌سازی:** یکی دیگر از مؤلفه‌های سیاست خارجی تمدن‌ساز، توجه به ایجاد جریان‌سازی به‌عنوان یک بازیگر مستقل و تحول‌ساز در سیستم جهانی با بهره‌مندی از عناصر گفتمان انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های تمدن اسلامی از جمله؛ توحید، معنویت، انسانیت، آزادی، عدالت و... است. جریان‌سازی تمدن‌ساز نوین اسلامی، به دلیل نقد جریان

سلطه طلبانه ی حاکم، باید شامل مبانی اصلاح‌گرایانه، نوگرایی، انعطاف‌پذیری، آرمان‌گرایی، مبتنی بر اصول اساسی اسلامی و همچنین روحیه‌ی هدایت‌گرایانه باشد. جریان‌سازی نیازمند بهره‌مندی از «شبکه‌سازی»، «نمادسازی» و «برندسازی» می‌باشد. شبکه‌سازی بر اساس مؤلفه‌های تمدن اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز پیوندهای موضوعی، انجام فعالیت‌های مشترک با اهداف از قبل تعیین‌شده، تکوین پیوندهای مرزی، هدایت فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، تقویت تعامل و درنهایت، ایجاد جریان‌ی از فعالیت‌های هم‌راستا باشد که در ایجاد استانداردهای رفتاری و همچنین الگوسازی برای رسیدن به آرمان امت واحده، مؤثر خواهد بود. نمونه‌ی این امر، همکاری با بازیگران غیردولتی و محور مقاومت برای همگرایی در راستای اهداف و منافع امت اسلامی است. نمادسازی نیز تجسم ارزش‌هاست و می‌تواند به‌عنوان یک عنصر ارتباط‌سازی، ضمن ایجاد اشتراک در درک مسائل و پدیده‌ها میان ملت‌ها، ارزش‌ها را واقعی‌تر نموده و الگوی اعتمادسازی را به نمایش بگذارند. توانایی نمادسازی در سیاست خارجی با اتکاء بر فرهنگ سیاسی، یک اصل اساسی در الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز است.

امروزه برندسازی را می‌توان یکی از قدرتمندترین و منحصربه‌فردترین راه‌کارها برای جلب نظر و عقاید عموم به‌سوی یک ایده‌ی مشترک تبیین نمود. (پورعلی و دهشیری، ۱۳۹۷، ص ۵۱) برندسازی ممکن است در حوزه‌ی هنری، ورزشی، گردشگری، علمی و... شکل بگیرد. در این بخش منظور از برندسازی، ارائه‌ی هویت و تمدن اسلامی است. ارائه‌ی جلوه‌ای از تمدن اسلامی مبتنی بر سازش عقل و ایمان، با بهره‌مندی از امکانات و ابزارهای علمی، فناوری و ارتباطی نوین و قدرت نرم‌افزاری، که برتری خود را بر تمدن غربی نشان دهد و الگوی نوینی برای هدایت شهروندان جهانی باشد. برای نمونه، برندسازی می‌تواند برای مؤلفه‌هایی همچون روحیه‌ی خیرخواهی، کمک‌های بشردوستانه، مبارزه با ظلم (مبارزه با داعش) و... شکل بگیرد. برندسازی از تمدن نوین اسلامی، با تأکید بر فرهنگ شیعی و سازش عقل و ایمان باید در راستای افزایش اعتماد عمومی مردم در عرصه‌ی خارجی باشد. این امر بر تعریف هویت ایرانی و رهایی از تصویرسازی‌های منفی،

اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی نقش مهمی دارد. ارائه‌ی تصور متساهلانه از اسلام، عدم تباین آن با عقل، منطبق با تحولات جهانی، رهایی از جمود فکری و تأکید بر خلاقیت و نوآوری از ویژگی‌های برندسازی تمدن‌نوین اسلامی است که البته موفقیت آن منوط به ایجاد برندسازی در سایر حوزه‌های اقتصادی، هنری، گردشگری و... است. برای این‌که بتوان با استفاده از سیاست خارجی از تمدن اسلامی در عرصه‌ی خارجی برندسازی کرد و یا به برندسازی در این حوزه و یا بخش‌های دیگری که نمایانگر فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی است، یاری رساند، دستگاه سیاست خارجی باید بر چند نکته تمرکز نماید، نخست، محورها و مؤلفه‌هایی است که قرار است به برند تبدیل شوند، یک ایده و یا یک کالا. این ایده و کالا، باید ارزش برند شدن را داشته باشد، به آن معنا که اگر یک ایده است، باید ظرفیت پذیرش بالایی داشته باشد مانند مفهوم عدالت، آزادی، مردم‌سالاری، و اگر یک کالا و یا خدمات است، باید با در برداشتن هنر و فرهنگی ایرانی و شیعی، یک ویژگی برتری از منظور زیبایی و یا کیفیت و یا خاص بودن داشته باشد تا بتواند دیگران را برای پذیرش آن متقاعد نماید، لذا اتاق فکر دستگاه دیپلماسی باید با آگاهی نسبت به فرهنگ ایرانی-اسلامی و همچنین رفتارشناسی توحیدی، عناصر قابل‌توجه را استخراج نماید و ضمن آگاهی دادن به کارمندان در بخش‌های مختلف سیاسی و بین‌الملل از آن‌ها بخواهد از این مؤلفه‌ها به‌عنوان محورهای رفتارها، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و... خود بهره ببرند. در مرحله‌ی دوم باید مخاطب خود را مشخص نمایند، مخاطب ممکن است مردم یک جامعه‌ی مسلمان با توجه به ارزش‌های مشترک و یا یک جامعه‌ی غیرمسلمان بر اساس مؤلفه‌های انسانی و جهان‌شمول اسلامی باشند. تعیین نوع ارزش‌ها بر تعیین کیستی مخاطب‌ها اثرگذار است. در مرحله‌ی دیگر، باید ابزارهای موردتوجه برای ارائه این ارزش‌ها و همچنین برندها تعیین شوند. با توجه به استفاده‌ی گسترده از رسانه‌های ارتباطی نوین، اینترنت، فیسبوک و...، دستگاه دیپلماسی باید بتواند متناسب با شرایط کنونی و با قدرت تکنولوژی، حوزه‌ی تعاملات غیررسمی خود را افزایش داده و از ابزارهای نرم برای انتقال برندهای خود بهره‌برد. بهره‌مندی از تبلیغات، یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای انتقال

ایده‌هاست که بدون استفاده از تکنولوژی‌های تعاملاتی نوین امکان‌پذیر نیست. به میزانی که ایران در عرصه‌ی برندسازی از ارائه‌ی هویت و تمدن خویش غافل باشد، دشمنان با بهره‌مندی از سلطه بر نهادها، گفتمان‌ها و قواعد و همچنین ابزارهای علمی و فناوری، برندسازی منفی علیه ایران را گسترش خواهند داد. برندسازی نیازمند صرف هزینه، زمان، آرمان‌گرایی، واقع‌بینی، قدرتمندی داخلی در حوزه‌ی برند مربوطه، آینده‌پژوهشی، مخاطب‌یابی و هدف‌سازی است.

یکی از مهم‌ترین بسترهایی که جریان‌سازی، شبکه‌سازی، برندسازی در آن شکل می‌گیرد، دیپلماسی فرهنگی است، زیرا فرهنگ یک رویکرد چندبعدی است که بر روی درک متقابل تمرکز دارد (6: 2018 iii iiiiiiiii، ایجاد تعامل در جهانی با وابستگی متقابل، ارائه‌ی هویت و ایفای نقش جهانی و همچنین انتقال مبانی تمدن اسلامی و جامعه‌سازی، نیازمند برقراری تعاملی مبتنی بر فرهنگ است، همچنین فرهنگ از مهم‌ترین پایه‌های تمدن نوین اسلامی است. از منظر مقام معظم رهبری: «ما باید به دنبال تبیین و تدوین فرهنگ زندگی و تحقق شکل مطلوب اسلام باشیم. اسلام بنیادهای چنین فرهنگی را برای ما مشخص نموده است که عبارت‌اند از: اخلاق، خردورزی و حقوق... اگر به این مؤلفه‌ها به‌صورت جدی پردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق نخواهد یافت و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت». (مقام معظم رهبری، ۲۳ مهر ۱۳۹۱) لازم به ذکر است، فرهنگ متشکل از شش لایه‌ی جدا از هم، ولیکن مرتبط با یکدیگر است. سه لایه‌ی نخستین، هسته‌ی فرهنگ و لایه‌های بعدی پوسته‌ی فرهنگ به شمار می‌آیند. «باورها»، یعنی همان اعتقادات، جهان‌بینی‌ها، نحوه‌ی نگرش به خدا، جهان و انسان، لایه‌ی نخست؛ «ارزش‌ها» یعنی همان بایدها و نبایدها لایه‌ی دوم؛ «هنجارها» یعنی همان الگوهای رفتاری برآمده از ارزش‌ها لایه‌ی سوم؛ «اسطوره‌ها و نمادها» مشتمل بر سرود، مشاهیر، پرچم، مفاخر و نخبگان علمی و فرهنگی لایه‌ی چهارم؛ «آیین‌ها و آداب‌ورسوم» که شامل رفتارهای اجتماعی است و منجر به جامعه‌پذیری و نهادینه شدن عادات و علایق اجتماعی می‌شود، لایه‌ی پنجم «فناوری‌ها، مهارت‌ها و نوآوری‌ها» که شامل فضای نوینی هستند که

فرهنگ عمومی در بستر آن شکل گرفته و تجلی همکنشی‌های اجتماعی و الگوهای تعاملی به شمار می‌آید، لایه‌ی ششم فرهنگ محسوب می‌شوند. (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱)

در همین راستا، باید اشاره شود، دیپلماسی فرهنگی، مبادله ایده‌ها، سنت‌ها، نظام‌های ارزشی، اعتقادات، هنر، اطلاعات و سبک زندگی در جهت رسیدن به ادراک و فهم مشترک و تقویت تفاهم و سازگاری میان ملت‌ها و دولت‌ها به صورت متقابل است. دیپلماسی فرهنگی در واقع ارائه‌ی روایت تمدن و انتقال مؤلفه‌های آن با ابزارها و سازوکارهایی از همان جنس، برای سایر تمدن‌ها و ملل در قالب سیاست خارجی می‌باشد. (خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷)

کنشگری که بتواند مؤلفه‌های فرهنگی خود را با توجه به ویژگی‌های ذاتی مشترک بشریت ارائه دهد و آن را با سیاست خارجی و رفتارهای اعمالی خود در عرصه‌ی جهانی ادغام نماید، می‌تواند از مؤلفه‌های فرهنگی برای دستیابی کشور به اهداف و منافع خود بهره‌بردار. در نظام کنونی که گفتمان، مبانی ارزشی، هنجاری و هویت‌ساز تعیین‌کننده‌ی ذهنیت کنشگران و در نتیجه دیکته‌کننده‌ی رفتارهای آنهاست، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند موجب ایجاد تصویری از خودی و دیگری، افزایش قدرت نرم، افزایش اشتراکات هویت‌ساز و معناساز و همچنین حل و فصل بسیاری از اختلافات شود. لازم به ذکر است، دیپلماسی فرهنگی، ممکن است در چارچوب: دیپلماسی عمومی و به معنای ارتباطات مبتنی بر منافع ملی یک کشور از طریق تعامل با بازیگران غیردولتی خارج از مرزها (Wolf, Rosen, 2004: 3)، به‌عنوان یکی از سازوکارهای قدرت نرم (Melissen, 2005: 4) و یا در چارچوب دیپلماسی مسیر دو، به معنی «تعاملات و ارتباطات میان شهروندان و بازیگران غیردولتی به صورت غیررسمی میان ملت‌های دو کشور» (Kaye, 2007, 5)، اعمال شود. در بعد نخست، مبانی تمدن نوین اسلامی در قالب‌های مختلف در تعامل دولت ج.ا.ایران و یا بازیگران نیابتی آن با مردم و شهروندان سایر کشورها منتقل خواهد شد و در قالب دوم، تعامل میان بازیگران غیردولتی در دو طرف می‌تواند مبانی باشد برای انتقال مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و ارائه‌ی ارزش‌های جهانی و هویت اسلامی - ایران کشور. بهره‌مندی از دو دیپلماسی فوق، به دلیل گستردگی



بازیگران و موضوع کنش، می‌تواند مسیر ارائه‌ی تمدن نوین اسلامی و صدور ارزش‌های انقلابی را تسهیل نماید. در این مسیر، دیپلماسی فرهنگی با تبادل داده‌ها، شفافیت، ایجاد شناخت و حتی درجه‌ی متفاوتی از اعتماد و اطمینان، می‌تواند نویدی برای ایجاد صلح، همکاری و حتی هم‌افزایی در روابط بین‌الملل باشد، زیرا:

— به رفع و یا کاهش «اختلافات شناختی» کمک می‌کند. بخش قابل‌توجهی از تنش‌های بین‌المللی ناشی از عدم شناخت از هویت و نقشی است که اساس ایجاد رفتار خارجی بازیگران می‌باشد. عدم شناخت از هویت بازیگر هدف، موجب عدم درک چرایی، نیت و اهداف رفتارها، سوءبرداشت‌ها و درنهایت تنش خواهد بود. در صورتی‌که اگر شناخت از ارزش‌ها و هنجارهایی که تعیین‌کننده‌ی هویت، هویتی که تعیین‌کننده‌ی نقش و نقشی که تعیین‌کننده‌ی رفتار بازیگران است، شکل بگیرد، احتمال درک رفتارها، قابلیت پیش‌بینی رفتارها و درنهایت اعتماد و در پی آن اطمینان در تعاملات بازیگران وجود دارد. لذا سیاست خارجی ج.ا.ایران با تزریق مؤلفه‌های تمدن‌ساز از جمله فرهنگ ایرانی - اسلامی در رفتارهای دیپلماتیک خود، چه آن‌هایی که اعمال می‌کند و چه آن‌هایی که هدایت می‌کند می‌تواند از این امر برای تصویرسازی مطلوب از ایران، اهداف مسالمت‌آمیز آن، روحیه‌ی همکاری، همگرایی، ظلم‌ستیزی و صلح‌طلب آن، بهره‌برد.

— در صورتی‌که، تفاوت در ارزش‌ها میان ایران و بازیگر مخاطب به میزانی نباشد که بتوانند برای ایجاد تعاملی پایدار بر اساس شناخت، ارزش‌ها خود را هماهنگ و رفتار خود را همسان کنند، تعامل بر اساس فرهنگ و هویت می‌تواند به هم آمیختگی افق‌های فکری منجر شود، پل میان تفاوت‌ها باشد و فهم و تفسیر رضایت بخشی را ایجاد کند. در این فضا، پیوند میان خود و دیگری شکل می‌گیرد، محورهای تعامل از خودمحوری فراتر می‌روند و «فرهنگ سوم»<sup>۱</sup> و معانی جدیدی را تولید می‌کنند که هر دو از آن رضایت دارند. فرهنگ سوم،

<sup>۱</sup> Third Culture

توسط هنجارهای واحد که قبلاً وجود نداشته است ایجاد می‌شود و نتیجه‌ی شفاف‌سازی و پویایی ارتباطات در یک تعامل بین فرهنگی است. (Broome, 1993, 103) فرهنگ سوم غالباً در فضایی ایجاد می‌شود که طرفین نیازمند سازمان‌دهی و افزایش تعاملات خود هستند، به معنای تکوین فرهنگی مشتمل بر عناصر و ارزش‌هایی است که طرفین در خصوص آن اشتراک عقیده دارند، حتی اگر با برخی از مؤلفه‌های فرهنگ ملی تفاوت‌های مشخصی داشته باشد. لذا دیپلماسی فرهنگی باید یکی از مؤلفه‌های اصلی الگو سیاست خارجی تمدن‌ساز، به‌ویژه در بخش اجرایی باشد. برای نمونه، یکی از مؤلفه‌های ایرانی-اسلامی که ظرفیت بالایی برای ایجاد هم‌افزایی و تعاملات طولانی‌مدت و همچنین تعیین برخی حوزه‌های کنش مشابه دارد، مبحث نوروز است. آیین نوروز سرشار از مؤلفه‌های فرهنگی، تاریخی و حتی معنوی تعامل‌ساز است که می‌تواند به بهبود روابط، ایجاد هم‌گرایی و تعمیق تعاملات فرهنگی و به تدریج غیرفرهنگی میان ملت‌های حوزه تمدن نوروز به‌ویژه به دلیل گستردگی آن در سطح زندگی فردی و جمعی، کمک نماید، زیرا مبنایی است برای تعامل میان ملت‌هایی با نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت، که نوروز را جشن می‌گیرند، به‌ویژه با کشورهای فارسی‌زبانی چون افغانستان و تاجیکستان.

البته در این مبحث، اشتراک در زبان به دلیل نقش مهم آن در ایجاد معانی، درک پدیده‌ها، ایجاد و تعمیق تعاملات و همچنین نزدیکی افق‌های فکری دارد، از اهمیت بسیاری برخوردار است، همان‌طور که مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت زبان فارسی به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش می‌فرماید: «هر فردی که به معارف بشری علاقه دارد، باید برای زبان فارسی ارزش و مرتبه‌ای ویژه قائل باشد؛ به آن دلیل که این زبان پرظرفیت، رسا، شیرین و زیبا، توانسته بخش قابل توجهی از مناطق جغرافیایی را تحت تسلط و سیطره معنوی خود درآورد، با نفوذ معنوی، کارآیی، شیوایی و قدرت بلاغت خود در دل ملت‌ها جا باز کند و

برای آنان فرهنگ، دین، معرفت و تمدن به ارمغان آورد.» «زبان فارسی در ایران توانسته، بیشترین تلاش را برای تسری و تحکیم اسلام انجام دهد. اسلام، به زبان عربی به ایران وارد شد؛ ولیکن به زبان فارسی ترویج یافت و در طول قرن‌ها، بیشترین معارف اسلامی و سخنان حکمت‌آموز توسط ایرانیان فارسی‌زبان در میان ملت‌ها منتشر شد، لذا زبان فارسی در این بخش از جهان از حقوق واضحی در جهت گسترش اسلام و فرهنگ و تمدن بشری برخوردار می‌باشد.» «اکنون زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری و تمدن عمیق اسلامی محسوب می‌شود و بر این اساس وظیفه‌ی ما در قبال زبان فارسی بسیار سنگین است.» «ما باید برای رواج زبان فارسی در دنیا و گسترش جغرافیایی آن تلاش کنیم تا این زبان در موضع قدرت قرار گیرد و بتواند بخش عظیمی از مدنیت گذشته‌ی عالم را که با خود همراه دارد به دنیا ارائه دهد.» (مقام معظم رهبری، ۱۲ اسفند ۱۳۷۷)

**ج) تقریب و وحدت‌گرایی:** دین اسلام یک رسالت و پیام جهانی برای هدایت بشریت است و در این راستا تشکیل «امت واحده»، واژه‌ای راهبردی است، در این خصوص آیاتی در قرآن مجید مورد توجه است از جمله: «سَنَ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ، آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی انبیاء»، «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، آیه‌ی ۲۱۳ سوره‌ی بقره» و... . لذا امت واحده، تعبیری راهبردی در گفتمان انقلاب اسلامی است. در این راستا، «دیپلماسی وحدت»، یکی از مهم‌ترین تاکتیک‌های دستگاه دیپلماسی است.

«دیپلماسی وحدت» یکی از تاکتیک‌های دست‌یابی به هدف امت واحده اسلامی است. در همین راستا، در سال ۱۳۶۹، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به ابتکار مقام معظم رهبری ایجاد شد، ایشان بیان داشتند: «در این برهه‌ی خطیر و حساس از تاریخ، از مجمع

تقریب مذاهب اسلامی انتظار می‌رود با بهره‌مندی از تجربه‌های گذشته و همچنین ابتکارها و خلاقیت موردنیاز برای شرایط کنونی، با همدلی و همکاری نخبگان جهان اسلام، به‌خصوص اندیشمندان دانشگاه و حوزه، «دیپلماسی وحدت اسلامی» را راهبرد خود قرار داده و پایه‌گذاری تشکیل امت واحد اسلامی را در تقابل با اردوگاه استکبار به‌عنوان چشم‌انداز آینده ترسیم نماید». (مقام معظم رهبری، ۲۰ تیر ۱۳۹۱) مطابق فرمایش مقام معظم رهبری، منظور از وحدت عبارت است از: «نبودن کشمکش و درگیری، نفاق و تفرقه. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی متفاوت‌اند، می‌توانند کنار هم باشند و دعوا نکنند». (کریم‌پور، ۱۳۸۶) در واقع این دیپلماسی به ارث رسیده از صدر اسلام قادر است در چارچوب اصول ناب محمدی (ص) و بر مبنای یک سری از مبانی، قوانین و مقررات تعیین و پیش‌بینی شده دینی، از جمله وحدت اسلامی، در زمینه‌ی زدودن بحران‌های پیشرو از اسلام به توفیقات قابل‌تأمل و راهگشا دست یابد. (اسفندیاری، محمودیان، ۱۳۹۴، ص ۵۵)

لازم به ذکر است این دیپلماسی تنها برای احیای امت اسلامی و نه برای اعلام برتری است، «ایران در پی ایرانی کردن اعراب یا شیعی کردن سایر مسلمانان نیست؛ بلکه ایران درصدد دفاع از قرآن، سنت پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و احیای امت اسلامی می‌باشد. برای انقلاب اسلامی، یاری‌نمودن مجاهدان سنی سازمان‌های جهاد و حماس و مجاهدان شیعی حزب‌الله و امل، به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف می‌کند. ملت و حکومت ایران با صدای رسا و قاطع اعلام می‌دارند که به قیام ملت‌ها (و نه به ترور)، به وحدت اسلامی (نه غلبه و تضاد مذاهب)، به برادری مسلمانان (نه به برتری قومی و نژادی)، به جهاد اسلامی (نه خشونت علیه بی‌گناهان)، معتقد و ملتزم می‌باشد». (مقام معظم رهبری، ۴ بهمن ۱۳۹۰) بی‌شک احیای هویت واحد امت اسلامی مبتنی بر اعتقاد به قرآن و نبوت، تلاش برای ایجاد اتحاد حقیقی مبنی بر تأمین و تضمین مصالح و منافع ملل مسلمان، کمک به توسعه و ارتقای سطح اقتصادی کشورهای اسلام و تلاش برای رفع و یا دفاع در مقابل تهدیدهای مشترک موجود در نظام جهانی علیه دنیای اسلام، اصول

اساسی دیپلماسی وحدت اسلامی را شکل می‌دهد. (اسفندیاری، محمودیان، ۱۳۹۴، ص ۸۵) توجه به بحران‌های مشترک همچون مسئله فلسطین، تقابل با دشمنان مشترک، رفع مظالم از جامعه‌ی بشری، برقراری عدالت و حمایت از مستضعفان و مظلومان جهانی نیز می‌تواند از اصول راهبردی دیپلماسی وحدت باشد.

**د) عقلانیت جامع:** عقلانیت و نوع رفتار برآمده از آن، منتج از نوع جهان‌بینی افراد است که موجب ایجاد رفتارهای خارجی و در نتیجه الگوهای تعاملاتی در نظام جهانی می‌شود. برای نمونه وقتی نظام غرب نگاه هستی‌شناسی پوزیتیویسم را می‌پذیرد، در این صورت نگرش آن به جهان، درک پدیده‌ها و تحولات، برآورد منافع و انجام هر نوع کنش و واکنشی تنها بر اساس برآورد سود و زیان مادی می‌باشد که این امر ناشی از حاکم بودن عقلانیت ابزاری است. رویکرد ج.ا.ایران در راستای دست‌یابی به تمدن اسلامی، بر مبنای نگرش هستی‌شناسی توحیدی، وحدت‌گرایی اسلامی و حقیقت تجزیه‌ناپذیر انسان شکل‌گرفته است. که در این قالب، کنشگران اجتماعی تنها بر اساس عقلانیت ابزاری مبتنی بر ارزیابی هزینه - فایده و برآورده‌ی افزوده‌های مادی، عمل نمی‌کنند، بلکه تصمیمات و رفتارها بر پایه‌ی عقلانیت غایی، هنجاری و ابزاری است. منظور از عقلانیت غایی آن است که هر اقدام و تصمیمی با نگاه به‌غایت هستی، مبدأ و معاد و رسیدن به سعادت اخروی اتخاذ می‌شود. منظور از عقلانیت هنجاری نیز آن است که، برای رسیدن به اهداف، بهره‌مندی از ابزار مشروع، یک اصل اساسی است و رسیدن به هدف، نوع ابزار را توجیه نمی‌کند، بر این اساس رفتارها و کنش‌ها دارای یک فیلتر اخلاقی و انسانی هستند که رفتارهای صرفاً منفعت طلبانه را مردود می‌شمارد. دو بعد عقلانیت غایی و هنجاری، ریشه در فطرت انسانی و الهی، عقل ذاتی و اخلاقی دارد و به میزانی که افراد و به‌تبع آن جامعه از فطرت الهی خود به دور باشند، این ابعاد از عقلانیت جامع برای اتخاذ رفتار مطلوب ضعیف خواهد بود. عقلانیت ابزاری نیز بر این امر استوار است، زمانی که تصمیم‌گیرندگان بر اساس عقلانیت غایی و هنجاری، یک مسئله و پدیده را بررسی نمودند و برای رسیدن به هدف مشخصی تصمیم گرفتند، تلاش خواهند کرد از روش‌هایی بهره ببرند که با صرف

داشتن کمترین هزینه، بیشترین سود را داشته باشد و از نظر زمانی و هزینه‌ی مادی و غیرمادی، نوع کنش معقول و به‌صرفه باشد. همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز تأکید دارند، تمدن اسلامی به‌تنهایی شامل عقلانیت ابزاری و مصداق‌های آن در زندگی جمعی از جمله منابع مادی خلاصه نمی‌شود: «... هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی، تکوین تمدن نوین اسلامی است... این تمدن مشتمل بر دو بخش ابزاری به معنای ارزش‌هایی مانند اختراع، علم، صنعت، اقتصاد، اقتدار نظامی و سیاسی که برای پیشرفت کشور مطرح می‌گردد ... و بخش متنی و اصلی به معنای آنچه متن زندگی را تشکیل می‌دهد و در واقع همان سبک زندگی است، می‌باشد... (امام خامنه‌ای، ۲۳ مهر ۱۳۹۱) بنابراین، همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند، قدرت ابزاری به‌تنهایی برای سعادت بشر در عرصه جهانی کفایت نمی‌کند. این اصل در سیاست خارجی به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌ها باید لحاظ شود. باید در نظر گرفته شود که ارزش‌های حاکم بر عقلانیت هنجاری و غایی معیاری برای ارزش-گذاری بر مسائل و عناصر در کنار عقلانیت ابزاری در حین تصمیم‌گیری اهمیت دارد.

لازم به ذکر است، دستگاه دیپلماسی برای پیگیری مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز یعنی تعیین حوزه‌ی کنش، بهره‌مندی از عقلانیت جامع و دیپلماسی فعال و در دل آن جریان‌سازی و برندسازی، نیازمند: تعیین یک استراتژی هدفمند و دقیق با تعیین مؤلفه‌های با اشتراک بالای فراملی، تبیین و تزریق مؤلفه‌ها تمدن اسلامی در درون فعالیت‌های حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک چندبعدی، تقویت تعامل با بازیگران با اشتراکات هویتی، دینی، قومی و زبانی، تقویت هم‌افزایی و هم‌گرایی و دوری از واگرایی با تأکید بر بازیگران غیردولتی، سرمایه‌گذاری بر دیپلماسی مسیر دو، از جمله دیپلماسی علمی برای ارائه‌ی ارزش‌های هویت‌ساز ایرانی - اسلامی، تعامل چندوجهی برای تعامل با بازیگرانی با تنش سیاسی، سرمایه‌گذاری بر روی مسائلی که موجب تقرب جوامع می‌شوند، فارغ از دولت‌ها، بهره‌مندی از ابزار رسانه‌ای برای ایجاد شفافیت در نیت، حمایت از تولیدات هنری، فرهنگی، برندهای اقتصادی و... در حوزه‌ی منطقه‌ای و فراملی با کمک سفارت‌خانه‌ها و همکاری‌های علمی با سایر بازیگران در کشورهای هدف می‌باشد. الگوی

تمدن‌ساز سیاست خارجی، ایران را برای دستیابی به اهدافی چون: تأثیرگذاری ایجابی بر افکار عمومی کشورهای همسایه و شهروندان جهانی، نمایان نمودن کارآمدی نظام مردم‌سالار دینی و قدرت نرم‌افزاری آن، ایجاد جو اعتماد و احترام متقابل در تعامل با ملت‌های منطقه، تقویت فضای وحدت‌مداری و تقریب‌گرایی مذاهب و هم‌افزایی فرهنگی در جهان اسلام، ترویج روحیه امید و نشاط و بالندگی ناشی از پیشرفت‌های علمی و فناوری و تأکید بر انتقال دانش فنی به ملت‌های منطقه، تأکید بر گفتمان‌سازی با توجه به توان مدیریت تحول، سرعت پاسخ‌گویی، استفاده از شیوه‌های ارتباطی متنوع، پیوند دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و همچنین نو منطقه‌گرایی فرهنگی، تقویت توان تصویرسازی و شبکه‌سازی، ایجاد برندهای جدیدی مبنی بر صلح‌طلبی، تمدن غنی و رویکرد مسالمت‌آمیز ایرانیان در سطح بین‌الملل و درنهایت تلفیق میان عدالت، توسعه و معنویت یاری می‌رساند.

### نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی برای رفع نیازهای مادی و معنوی بشر و رسیدن به سعادت اخروی با اتکاء به محورهای خودباوری، خردباوری، اخلاق‌مداری، فرهنگ‌گرایی، علم‌گرایی و معنویت‌گرایی، هدف و آرمان ج.ا.ایران تلقی می‌شود. در این راستا، الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز برای اثرپذیری فکری ملت‌ها از اسلام و ارتقای آگاهی ملت‌های اسلامی، تقویت وحدت اسلامی و ایجاد هم‌افزایی برای دستیابی به اهداف مشترک، نیازمند توجه به مؤلفه‌های مهمی است که جهت‌گیری فعالیت‌های دیپلماتیک، تجاری، فرهنگی و اجتماعی را مشخص می‌کند و انعکاس‌دهنده‌ی خواسته‌ها و منافع کشور بر اساس ارزش‌های رفتارساز است. الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز به دلیل اتکاء به هستی‌شناسی توحیدی، فطری و تحول‌گرا، با مجموعه‌ی همگنی از اجزای نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه، ماهیت هویت‌ساز و آرمان‌گرا، می‌تواند زندگی جمعی عادی را به وضعیت رشدیافتگی اخلاقی - ابزاری رهنمود کند.

مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن عبارت است از: الف) گفتمان‌محوری به معنای

کمک به طراحی و ارائه‌ی یک نظام معنایی برای تبیین، تفسیر و پیش‌بینی وقایع، تعیین رفتارهای استاندارد و غیراستاندارد، ارائه‌ی روایت‌ها برای تولید و بازتولید تصاویر و واقعیت‌ها و در نتیجه مدیریت رفتارها. گفتمان انقلاب اسلامی با عناصر عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، مردم‌سالاری دینی و... یک اصل اساسی در الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز است که درون آن سایر مؤلفه‌های دیگر تحقق می‌یابد. ب) جریان‌سازی به همراه شبکه‌سازی و تعامل با بازیگران دولتی و غیردولتی، نمادسازی برای واقعی نمودن ارزش‌های انتزاعی و تصویرسازی برای ارائه‌ی هویت واقعی، مؤلفه‌ی دیگری است. در این مسیر، دیپلماسی فرهنگی به دلیل اثرپذیری از فرهنگ سیاسی، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن و همچنین ابزارهای تعاملاتی علمی و فرامرزی یک تاکتیک ضروری برای اجرای سیاست خارجی تمدن‌ساز در جهت ارائه‌ی تمدن نوین اسلامی، بیداری سیاسی میان ملت‌ها، ایجاد مشارکت در ارزش‌های جهانی و ترویج ایده گفت‌وگوی میان مذاهب است. ج) مؤلفه دیگر تقریب‌گرایی در جهت تحقق امت واحده اسلامی به‌عنوان یک اصل راهبردی در اسلام سیاسی است. در این مسیر دیپلماسی وحدت، تاکتیکی برای ایجاد تعاملات بین فرهنگی، بین مذهبی، بین قومی و بین ملتی است که می‌تواند موجب تقویت روحیه وحدت و ایثار، امکان اتحاد سیاسی - اقتصادی، جهانی و منطقه‌ای کردن مبارزه با ظلم و استکبار، ترویج حسن هم‌جواری منطقه‌ای، ارتقای اعتماد میان ملت‌ها، نمایاندن کاستی‌های تمدن غربی و آشکارسازی اهمیت جغرافیایی فرهنگی جهان اسلام شود. د) مؤلفه‌ی نهایی اتکاء بر عقلانیت جامع در مسیر ایجاد و اجرای سیاست خارجی در چارچوب عقلانیت غایی به معنایی توجه به اصل سعادت اخروی بشر، عقلانیت هنجاری به معنایی محدودیت‌های اخلاقی در ابزارهای همکنشی و عقلانی‌سازی به معنای توجه به ابزارها و روش‌های کم‌هزینه و پربازده است.



## کتابنامه

قرآن کریم.

اسفندیاری، احمد و محمودیان، سیروس (۱۳۹۴)، «دیپلماسی وحدت»، دفتر نشر خبرگزاری فارس، تهران.

اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، فصلنامه الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، قابل دسترس در: [http://www.ipoba.ir/article\\_16946.html](http://www.ipoba.ir/article_16946.html)

پورعلی، پریسا و دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷)، «شیوه‌های الگوسازی و برندسازی در دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران برای مقابله با ایران‌هراسی»، مطالعات فرهنگی روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۹.

خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دانش سیاسی، شماره ۲.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ‌سازی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، «فرائضیه اسلامی روابط بین‌الملل»، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹)، «انقلاب اسلامی و تمدن نوین بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی (خوانشی تعمیقی و تحلیل محور به اصل ۱۱ قانون اساسی)»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱ (شماره ۵ پیاپی ۵)، بهار و تابستان.

کریم پور، فاطمه (۱۳۸۶)، «وحدت ملی در اندیشه رهبری»،

<http://ensani.ir/fa/article/11148/>

مدیریت حوزه علمی قم (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، مرکز حوزه علمیه قم، قم.

مقام معظم رهبری (۱۴ شهریور ۱۳۹۲)، «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspartindex?tid=1648>.

\_\_\_\_\_ (۲۰ تیر ۱۳۹۱)، «انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین اراکی به سمت دبیرکلی مجمع تقریب مذاهب اسلامی»، قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=20403>

\_\_\_\_\_ (۱۹ آذر ۱۳۹۲)، «بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی»، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/tag-content?id=5406>

\_\_\_\_\_ (۲۰ آبان ۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری»، قابل دسترسی در:

<http://www.leader.ir/fa/speech/13855>

\_\_\_\_\_ (۲۳ مهر ۱۳۹۱)، «بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی»، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

\_\_\_\_\_ (۲۸ مهر ۱۳۹۵)، «بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان»، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634&npt>

\_\_\_\_\_ (۶ آبان ۱۳۸۳)، «بیانات در دیدار کارگزاران نظام»، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>

\_\_\_\_\_ (۱۴ بهمن ۱۳۹۰)، «خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی»، قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1168>

\_\_\_\_\_ (۱۲ اسفند ۱۳۷۷)، «دیدار با اعضای دومین مجمع بین‌المللی زبان فارسی»،

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=11454&nt=1&year=1377>

